

نماینده گان مجلس: پرداختن به مساله کابل بانک، آغازی نیک اما خطرناک است!



پس از آغاز به کار حکومت جدید، رییس جمهور اشرف غنی، بر علیه زورمندان و فساد در کشور مبارزه قاطع اعلام کرد و در اولین اقدام به دادستانی کل دستور داد که پرونده کابل بانک را از سر بررسی کرده و به دادگاه عالی بفرستد. به گزارش خبرگزاری جمهور، دادستانی کل نیز ۲۵ پرونده عاملین بحران کابل بانک را در مدت ۱۰ روز تکمیل و بروز شنبه گذشته به دادگاه عالی فرستاد. همچنین آقای غنی، فرمان بازداشت عاملان اصلی قضیه کابل بانک را نیز صادر کرد، گفته می شود تا هنوز شماری از این افراد که در دوران حکومت قبلی برائت گرفته بودند بازداشت شده اند. با این وجود، شماری از...

ادامه صفحه ۶

کمیسیون های متهم انتخاباتی و سکوت دولت وحدت ملی



صفحه ۶

وزارت صحت عامه:

یک درصد افغان ها به بیماری روانی دچار هستند



برای حل این مشکل باید اقدامات لازم صورت گیرد. وزارت امور زنان افغانستان عوامل بیماری و مشکلات روانی در این کشور را خشونت های خانواده گی و رفتارهای نادرست در شماری از نهاد ها در برابر کارمندان می داند...

ادامه صفحه ۶

او گفت: «تجلیل از روز جهانی بیماری روانی یک فرصت است تا سطح آگاهی مردم را بلند ببریم تا هم در باره ی این بیماری آگاهی حاصل کنند و از طرف دیگر، آماده ی درمان شوند. یک سروی تازه که از سوی سازمان بهداشت جهانی در کشورهای مانند افغانستان انجام شده نشان می دهد که یک درصد افغانها به این بیماری گرفتار هستند.»

مقام های وزارت صحت عامه می گویند که این وزارت برای کاهش بیماری های روانی در کشور، هم اکنون یک شفاخانه در کابل فعالیت داشته و در ولایات کشور نیز در چوکات هر شفاخانه یک بخش برای تداوی بیماران روانی اختصاص داده شده است. به گفته مقامات وزارت صحت عامه، در حال حاضر پنجاه درصد مردم این کشور مشکلات روانی داشته و

وزارت صحت عامه افغانستان، فقر، نا امنی، بیکاری و مهاجرت ها را از عوامل عمده بیماری و مشکلات روانی در این کشور عنوان می کند. مقام های این وزارت می گویند که یافته های تازه سازمان صحتی جهان نشان می دهد که یک درصد افغان ها بیماری روانی دارند که بیشتر آنان را جوانان و زنان تشکیل می دهد.

ناجیه طارق معین وزارت صحت عامه افغانستان روز سه شنبه در مراسم تجلیل از روز جهانی صحت روانی گفت که تلاش های این وزارت به منظور مبارزه با این بیماری در کشور آغاز شده است.

به گفته او، همین اکنون در کابل و شماری از ولایت های کشور تلاش ها به منظور آماده سازی ذهنیت مردم برای مبارزه با این بیماری ادامه دارد.

وزیر داخله:

موثر های تعقیبی دیگر قابل تحمل نیست



جامعه جهانی اطمینان می دهیم که دور نیست، ما برای حفظ صلح جهانی شانه به شانه در گوشه های مختلف جهان کار خواهیم کرد.»

سرپرست وزارت داخله تصریح کرد: «در افغانستان چیزی که ما با آن درگیر استیم تروریست است نه تروریزم؛ و اگر دنیا واقعاً می خواهد از تروریزم خلاص شود باید لانه هایش را در جاهای دیگر نابود سازد و افغانستان به...»

ادامه صفحه ۶

سیمینار سه روزه فرماندهان امنیه ۳۴ ولایت افغانستان دیروز با سخنان محمدمر داودزی در کابل افتتاح شد.

عمر داودزی سرپرست وزارت امور داخله در افتتاح این سمینار گفت: «ما در حالت جنگ هستیم؛ اما نیروهای امنیتی به ویژه پولیس در سراسر کشور حاکم است که ما سر این موضوع باید فخر کنیم. ۱۳ سال قبل در یک حالت خاصی قرار داشتیم و یک گره در کار ما بود که بدون حمایت جامعه بین المللی توان بازگشایی آنرا نداشتیم که جهان بسیار سخاوتمندانه با ما کمک کردند.»

به گفته او، افغانستان نیروهای امنیتی خود را به کمک جهان ساخت و حالا نیروهای امنیتی در ساحه جنگ نیاز به کمک جهانی ندارد؛ اما در ساحه مالی نیازمند استیم که در چارچوب دو موافقتنامه دراز مدت همکاری مالی و حمایتی کمک خواهیم شد. او از کمک های جامعه جهانی تشکر کرد و افزود: «به

برخی از سناتوران:

وزرا چور به راه انداخته اند!



اعضای مجلس سنا از حکومت وحدت می خواهند که هرچه زودتر وزرای کابینه را به مجلس نمایندگان معرفی کند.

رفیع الله گل افغان معاون دوم مجلس سنا گفت: «سرپرستان وزارت خانه ها به خاطر این که می گویند در حکومت بعدی باشیم یا نباشیم کار نمی کنند و رییس جمهور هرچه زودتر...»

ادامه صفحه ۶

در برگ ها



امنیت کشور
و انتظارات
از دولت
وحدت ملی

ژاک دریدا
و فلسفه اش



زیستن همچون
مجازات
تأملی بر فلم
«تبعید» اثر
روس آندری
زویاکینستو

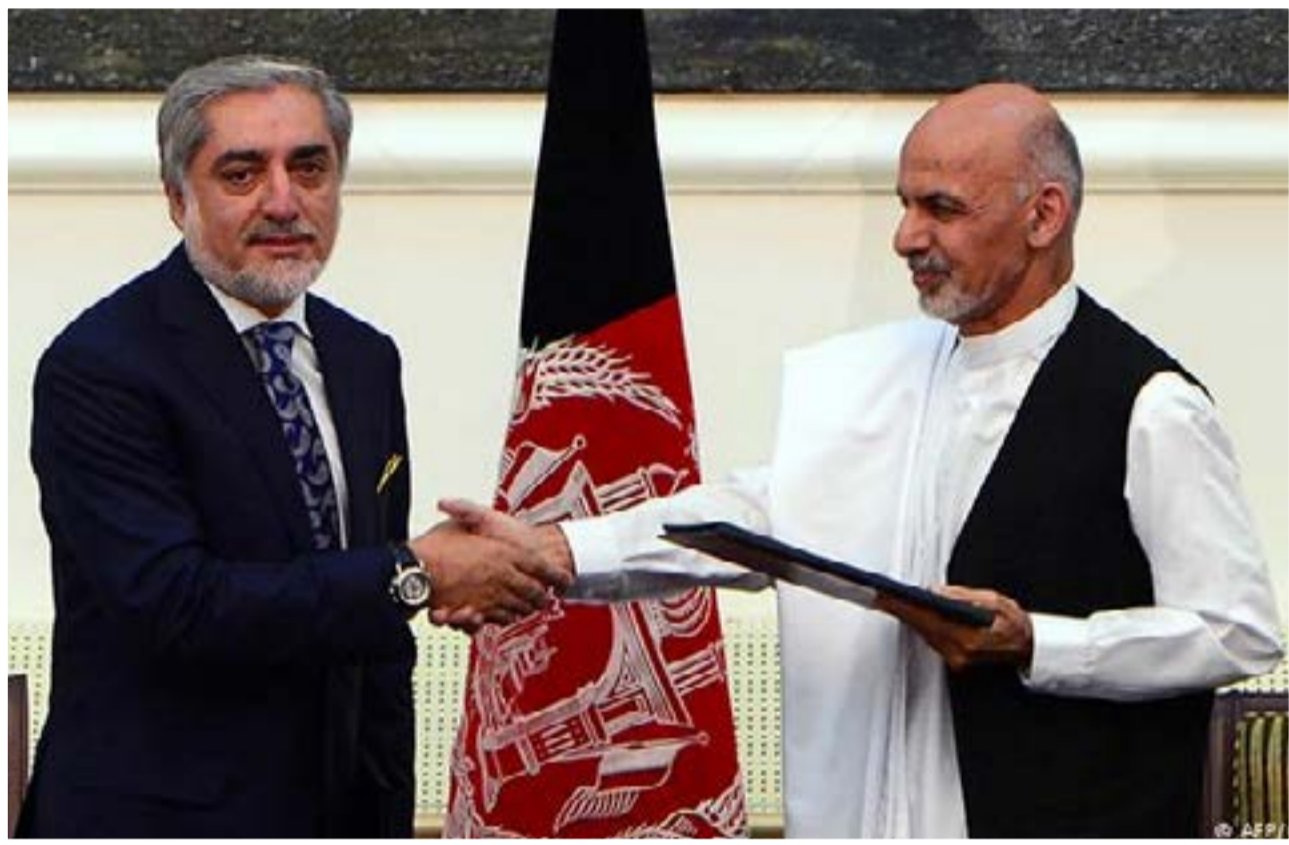


بان کی مون:
جنگ غزه
ننگ جامعه
جهانی بود



احمد عمران

امنیت کشور و انتظارها از دولت وحدت ملی



افغانستان بروند. وقتی وضعیت این گونه است، بدون شک با مهمانی دادن و مهمانی رفتن مشکل حل نخواهد شد و به تبع آن، بحران ناامنی هم چنان ادامه پیدا خواهد کرد. حکومت جدید نیاز دارد که استراتژی‌های گذشته در مورد بهبود وضعیت امنیتی را مورد بازنگری دقیق قرار دهد و در بسا از موارد از آن استراتژی‌ها عبور کند. معضل جنگ در افغانستان بزرگ‌تر و خطرناک‌تر از چیزی است که گاهی برخی از دولت‌مردان با ساده‌لوحی تلاش دارند آن را کوچک جلوه دهند. ابعاد بحران امنیتی زمانی مشخص می‌شود که تحرکات در آن سوی مرزها به صورت موشکافانه مورد توجه جدی قرار گیرند. اگر حکومت جدید بخواهد با همان سازوکارهای فرسوده و ناکام هم چنان به حل مشکلات امنیتی خوشبین باشد، پس نسبت به آینده امنیت در کشور نباید زیاد خوشبین بود. اشتباهات گذشته درس خوبی برای دولت وحدت ملی است. گذار از مراحل عاطفی حل بحران امنیتی، به تدبیر و مدیریت خلاقانه نیاز دارد که تنها در همکاری و قاطعیت برخوردهای حکومت جدید امکان‌پذیر است. از جانب دیگر، هم‌گام با آن باید در سیاست‌های خارجی حل بحران امنیتی کشور نیز توجه صورت گیرد. سیاست منطقه‌یی و دیپلماسی کشور به گونه‌یی باید عمل کند که به تغییرات لازم در عرصه امنیت منجر شود. هم‌فکری و همیاری در میان نهادهای امنیتی و سیاست‌گذاری‌های خارجی می‌تواند وضعیت را به گونه مطلوب تغییر دهند. آن‌چه که در روزهای اخیر در کابل و برخی از کلان‌شهرها شاهد آن هستیم، می‌تواند به شدت بر وجهه حکومت جدید تأثیر منفی به جا گذارد و به همین دلیل، از حالا باید تدبیر دقیق و همه‌جانبه را اتخاذ کرد. زیرا در غیر این صورت، حکومت جدید نیز به همان بیماری بی‌تفاوتی و راهکارهای ناکارآمد دچار خواهد شد.

خردمندانۀ کارل پوپر فیلسوف معروف جهان سیاست به کرسی نشست، که نسبت به آینده هرگز نباید با اطمینان سخن گفت و سیر تاریخ را به گونه خطی تصور کرد. پوپر به این عقیده بود که جامعه را با مهندسی گام به گام باید مدیریت کرد و با هر گام باید دید که چه اتفاق افتاده و کاستی‌ها و مشکلات چه‌گونه بررسی شده‌اند. مشکلات جامعه نیاز به مدیریت دارند و بدون مدیریت فعال هرگز نمی‌توان انتظار بهبود وضعیت را داشت. آن‌چه که حکومت آقای کرزی از آن به شدت رنج می‌برد، عدم مدیریت فعال و حساب‌شده در مورد حل مشکلات کلان کشور بود. آقای کرزی فکر می‌کرد با مهمانی دادن و حسن نیت می‌توان به امنیت رسید. آقای کرزی سیاست را بد فهمیده بود و به همین دلیل روزی که مأموریتش به عنوان رئیس‌جمهوری پایان یافت، کشوری را به تیم جدید سپرد که هم چنان در بند مشکلات و ناتوانی‌های روزهای پس از سقوط رژیم طالبان بود. اما امنیت در این میان هم چنان جایگاه نخست را دارد. تأمین امنیت در افغانستان نیاز به تفکر و برنامه‌ریزی دارد و بدون آن‌ها نمی‌توان در این زمینه موفقیتی به دست آورد. معضل امنیت در افغانستان بدون برآورد جوانب خارجی آن به موفقیت منجر نمی‌شود. هنوز چند روزی از آغاز به کار حکومت جدید نگذشته است که شاهد موضع‌گیری خصمانه برخی گروه‌ها در پاکستان نسبت به آن هستیم. وقتی گروه‌ها و نهادهایی در کشور همسایه در هماهنگی با نیروهای مخالف مسلح دم از همکاری می‌زنند، باید نسبت به وضعیت امنیتی در کشور نگران بود. به‌تازگی، جمعیت اسلامی پاکستان در یک نشست علنی نسبت به امضای قرارداد امنیتی افغانستان با امریکا موضع‌گیری کرده است. در این نشست به صورت واضح جنگ علیه افغانستان تبلیغ و تشویق شده و از گروه‌های تندرو در آن کشور خواسته شده که به جنگ

این روزها افغانستان شاهد موجی از حملات مرگبار انتحاری و بمب‌گذاری‌هاست؛ حملاتی که به هدف نیروهای خارجی و یا داخلی صورت می‌گیرند ولی درد آن را شهروندان عادی می‌کشند. شهرهای بزرگ و پرجمعیت کشور و به‌ویژه کابل، این روزها شاهد چنین حملاتی است؛ حملاتی که پس از روی کار آمدن حکومت جدید و امضای قرارداد امنیتی با امریکا و ناتو انجام می‌شوند. هرچند توقع نمی‌رود که مشکل درازدانی چون امنیت که مهم‌ترین و اساسی‌ترین دغدغه جامعه ظرف نزدیک به چهارده سال گذشته بوده، یک‌شبه حل شود؛ اما انتظار می‌رفت که با اقدامات جدی حکومت جدید، برای کاهش نگرانی‌های امنیتی کارهایی صورت می‌گرفت. حکومت جدید از آغاز به کار تا به حال دستورهایی را به هدف کاهش ناامنی‌ها صادر کرده، اما آن‌گونه که حملات گروه‌های دهشت‌افکن نشان می‌دهند، هنوز امنیت در صدر فهرست نگرانی‌های مردم قرار دارد. امنیت در افغانستان از مقولات چالش‌زا و بسیار پیچیده است که توش و توان حکومت گذشته را به فرسایش کشید و به عنوان اصلی‌ترین معضل، خود را در برابر حکومت جدید قرار داده است. این‌که چه‌گونه باید امنیت را تأمین کرد، بزرگ‌ترین پرسشی‌ست که در برابر حکومت جدید قرار گرفته و پاسخ قاطع و دقیق را می‌طلبد. حکومت پیشین با وجود تلاش‌های چندین‌ساله نتوانست دستاورد ملموسی در راستای تأمین امنیت داشته باشد. پادام است که حامد کرزی در آغازین روزهای دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش با اطمینان گفت که مردم در پایان دوره پنج‌ساله حکومتش شاهد تأمین کامل و سراسری امنیت خواهند بود. آقای کرزی فکر می‌کرد که تلاش‌هایش در راستای صلح ثمربخش خواهند بود و او این افتخار را در پایان مأموریتش به نام خود ضرب خواهد زد که صلح را در کشور تأمین کرده است. اما دیدیم که چنین نشد و یک بار دیگر سخن

سخن ماندگار

معیارهای حکومت‌داری خوب چیست؟

رفتارهای رییس‌جمهور اشرف‌غنی، این روزها خیلی‌ها را به این گمان افکنده که به‌راستی یک حکومت خوب و یک حکومت داری بسیار امیدوارکننده در راه است. تصفیه حساب با کابل‌بانک، لغو غذای اضافی آشپزخانه ارگ، صدور هشدار برای دادستان‌ها و... خوش‌بینی‌هایی را نسبت به حکومت جدید خلق کرده است. در این میان، آقای اشرف‌غنی در مرکز ثقل ماجراها می‌درخشد. اما نباید از یاد برد که حکومت کنونی، یک حکومت وحدت ملی است و در پی از میان رفتن مشروعیت انتخابات به میان آمده؛ از این رو می‌طلبد که در انجام کارها بسیار محتاط بود و نیز این‌که نباید شتاب‌زده و احساساتی درباره هر چیز تصمیم گرفت. البته اذعان این نکته به معنای آن‌هم نیست که اقدامات اشرف‌غنی اصلاً نیکو نیست؛ مسلماً هرگونه داوری قاطع درباره حکومت جدید بسیار پیش از وقت و در مجموع به ضرر جامعه است؛ اما تأکید بر شاخصه‌های حکومت‌داری خوب، قبل از هر حرکت احساساتی دیگر، مهم و ضروری به نظر می‌رسد. فراموش نکرده‌ایم که جناب حامد کرزی رییس‌جمهور پیشین کشور حرکت‌های احساساتی زیادی را انجام داد، اما در نهایت نتیجه خوبی حاصل نشد و یا هم آب از سرچشمه گل‌آلود بود؛ به این معنا که رییس‌جمهور کرزی به‌جای ساختارسازی و دریافت عوامل معضل و جست‌وجوی راه‌حل‌ها، به حرکت‌های نمایشی بسنده کرد که صرفاً مایه آبروریزی شد. چند نکته در ایجاد یک حکومت داری خوب، بسیار مهم به نظر می‌رسد که بدون در نظرگیری آن، هر نوع حرکت دیگر محکوم به فناست. مسأله نخست، اهمیت عدالت اجتماعی است؛ چیزی که بی‌توجهی به آن بنیاد هر نوع حکومت را برمی‌افکند. از همین اکنون دیده می‌شود که آقای غنی کسانی را که به پست‌های جدید گماشته است، فقط کسانی‌اند که در ایام کمپاین انتخاباتی به تیم او تعلق داشتند. اگر این روش ادامه یابد، بی‌گمان که نه حکومتی ساخته خواهد شد و نه هم حرکت‌های کنونی آقای غنی معنایی خواهند داشت. هم چنان آقای غنی عین موضوع را در رعایت ترکیب قومی نیز نباید از نظر به دور بدارد که این مسأله در تاریخ سیاسی کشور، بسیار سرنوشت‌ساز است. چنان‌که در این مورد ما تجربه حکومت قبلی را هم داریم که در اثر سیاست‌های قومی و نیز زدوبندهای آقای کرزی، همه مردم افغانستان در انتخابات تاوان بزرگی را پرداختند. موضوع دیگر قابل توجه، بحث داشتن تخصص است. تا آن‌جایی که پیدا است، جناب غنی بسیار زیاد به مسأله تخصص اهمیت می‌دهد که البته کار بسیار نیکی است؛ اما داشتن تخصص لازمه‌های دیگری هم می‌طلبد. اگر متخصصی حُب وطن و مردم‌ش را نداشته باشد، کسی بیشتر از یک تاجر نیست، آن‌هم تاجری که فقط سرمایه مردم افغانستان را می‌خواهد. ما نمونه‌های آن را در حکومت آقای کرزی نیز مشاهده کرده‌ایم که در آن زمان، متخصصان فقط به نام تخصص و کارشناس، در پی چور و چپاول‌داری مردم و نهادهای دولتی برآمده بودند. نکته سوم اما تصفیه حساب با شماری از کسانی‌ست که دموکراسی و انتخابات را بدنام کرده‌اند. این مسأله در کنار تصفیه حساب با مجرمان کابل‌بانک مطرح می‌شود که می‌تواند به عنوان نمونه بارز، بیانگر اراده‌یی قوی برای ایجاد یک حکومت خوب باشد. حکومت با آن عده از افرادی که به دموکراسی و انتخابات خیانت کرده‌اند، باید تصفیه حساب کرده و آنان را به دادگاه معرفی کند. هم چنان در این میانه، سیاه و سفید کردن با کسانی که خزانه دولت را در ایام انتخابات خالی کرده‌اند نیز مهم به نظر می‌رسد که این‌همه در مجموع می‌تواند دالی بر یک نیت نیک برای حکومت‌داری خوب باشد. بی‌گمان شناسه‌ها و معیارهای حکومت‌داری خوب بیشتر از آن‌چه در این مقال آمده، است و هر کدام از آن‌ها نیاز به صدها سطر بحث و توضیح دارد؛ اما آن‌چه در این لحظه مهم است، عمل‌کرد عقلانی و محتاطانه حکومت است که ظرفیت و عرضه کاری آن را به نمایش می‌گذارد.

دیک چنی:

شرایط تهدید آمیزتر از دوره پیش از ۱۱ سپتمبر است



دیک چنی، معاون رییس جمهوری سابق امریکا هشدار داد، حمله تروریستی بعدی علیه امریکا بسیار مرگبارتر از حمله ۱۱ سپتمبر خواهد بود.

به نقل از دیلی میل، چنی در این باره طی یک مصاحبه ویدیویی گفت: ما در دوران بسیار خطرناکی هستیم. به نظر من شرایط تهدید آمیزتر از دوره پیش از ۱۱ سپتمبر است.

او درباره این تهدید احتمالی افزود: به نظر من حمله ۱۱ سپتمبر قابل مقایسه با حمله وسیع بعدی علیه امریکا نخواهد بود.

معاون جورج بوش، رییس جمهوری پیشین امریکا، افزایش تهدید حملات تروریستی به امریکا را به گسترش چشمگیر سازمان‌های تروریستی طی چند سال اخیر و افزایش مأمین تروریست‌ها در سراسر جهان نسبت داد.

به گفته دیک چنی، تمام چیزی که امریکا باید پیش از حمله ۱۱ سپتمبر درباره آن نگران می‌بود، افغانستان بود اما اکنون امریکا با تهدیدهای مهمی از سوی تروریست‌های مالی و نیجریه در آفریقا تا اندونزی و خاورمیانه مواجه است.

این مقام دولتی سابق اظهار کرد، برخی از تصمیم‌هایی که رییس جمهور اتخاذ می‌کرده مناقشه‌آمیز بوده و هنوز هم هست، اما اکنون با گذشت شش سال متدهای مدیریت باید برای جلوگیری از وقوع یک حمله دیگر به خاک امریکا موثر واقع شوند.

چنی در ادامه گفت: به اعتقاد من ما هیچ عذرخواهی بدهکار نیستیم. من معتقدم که امروز در شرایط مشابه، من همان اقدامات مشابه را انجام می‌دادم.

دیک چنی بدون آوردن نام باراک اوباما، رییس جمهوری کنونی امریکا عنوان کرد، عدم تمایل دولت به دخالت نظامی در کشورهای خاورمیانه برای امریکا و مجامع بین‌المللی زبان‌بار است.

او درباره حضور و دخالت امریکایی‌ها در خاورمیانه گفت: برای ما تنها نگاه کردن به این قسمت از جهان و فکر کردن به این نکته که می‌توانیم پشت اقیانوس‌هایمان پنهان شویم، فکر احمقانه‌ای است. شما باید احمق باشید تا به استراتژی انزوگرایی و جداننداری از دیگران باور داشته باشید.

چنی با تأکید بر ضرورت نقش غربی‌ها در خاورمیانه گفت: ما چاره‌ی جز دخالت در خاورمیانه نداریم و اگر فعلا در این قسمت از جهان مشارکت نکنیم اتفاقات بدی رخ خواهد داد.

او از برنامه هسته‌ای ایران، کاهش بودجه ارتش و هکرهای چینی به عنوان برخی از تهدیدهای نگران‌کننده نام برد.

چنی در ادامه درباره نیازهای امریکا برای مقابله با تهدیدها گفت: چیزی که ما نیاز داریم رهبری قدرتمند است. ما به یک رییس جمهور و کنگره‌ای نیاز داریم که طبیعت تهدید را بفهمد. این سیاستمدار بازنشسته هم‌چنین ابراز امیدواری کرد که امریکا همان‌گونه که پیشتر، طی جنگ جهانی اول و دوم عمل کرده، اکنون دست به اقدام بزند و هم‌چنین هشدار داد، بسیار مهم است که بر همان مشی عمل شود.

وی درباره تصمیمات اخیر اوباما اظهار کرد: اکنون زمان آن نیست که ما بر افتخاراتمان تکیه کنیم یا بودجه ارتشمان را کاهش دهیم.

چنی درباره اینکه چه کسی به اندازه کافی قدرتمند است که بتواند در انتخابات ۲۰۱۷ جانشین مناسبی برای اوباما باشد، نامی نبرد اما عنوان کرد: کسی باید به عنوان رییس جمهور انتخاب شود که بایستد و به جهان یادآوری کند که امریکا قادر به انجام چه اموری است و تمایل و توانایی انجام آن را نمایش دهد.

بان کی مون:

جنگ غزه ننگ جامعه جهانی بود



دبیرکل سازمان ملل روز سه‌شنبه در سفر به غزه با تأکید بر اینکه در کنار مردم غزه ایستاده است گفت: تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست تا به نیم قرن اشغالگری اسرائیل پایان دهیم.

به گزارش شبکه اسکای نیوز عربی، بان کی مون دبیرکل سازمان ملل گفت: آنچه که در غزه رخ داد و تمام ویرانی‌هایی که به بار آمد، برای جامعه جهانی ننگ است. من اینجا هستم تا بگویم جامعه جهانی در کنار غزه است.

بان کی مون در ادامه گفت: امروز در غزه مسائل دردناک بسیاری دیدم. با کودکان زیادی صحبت کردم. با آموزگاران و افرادی که اعضای بدن خود را از دست داده بودند. ناراحتی، خشم و ناامیدی زیادی در بین ساکنان غزه دیده می‌شود که باید به آن رسیدگی شود.

بان کی مون گفت: ویرانی غزه و آنچه که در جنگ پیش آمد برای ما بسیار مهم است. آنچه که رخ داد مایه ننگ جامعه جهانی بود و من اینجا هستم تا به مردم غزه بگویم که سازمان ملل و جامعه جهانی در کنار آنهاست.

وی ادامه داد: مناطق زیادی در غزه به طور کامل ویران شده است. بیش از ۵۰۰ کودک در جنگ اخیر کشته و تعداد بیشتری زخمی شده‌اند.

کودکان زیبایی در غزه هستند که نسبت به وضعیت و آینده خود نگرانند. متولد شدن در غزه جرم نیست. باید مشخص شود اشتباه چه کسی است که این کودکان کشته می‌شوند.

دبیر کل سازمان ملل با اشاره به حمله به مراکز وابسته به سازمان ملل در غزه و نیز مدارس این سازمان گفت: زنان و کودکان از ترس بمباران‌ها به اماکنی که پرچم سازمان ملل بر آنها برافراشته بود رفته‌اند اما ما شاهد بودیم

که مدارس سازمان ملل نیز بمباران شده است. این امر به هیچ وجه قابل قبول نیست و باید در مورد آن تحقیق صورت بگیرد و عاملان آن مجازات شوند.

وی در عین حال گفت: در برخی از مدارس سلاح یافت شده است.

بان کی مون ادامه داد: حملات موشکی حماس باید متوقف شود. نمی‌توان گفت صلح اسرائیل و فلسطین برقرار خواهد شد و امنیت اسرائیل تأمین می‌شود در حالی که اوضاع در غزه همچنان متشنج باشد.

دبیر کل سازمان ملل ادامه داد: تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست تا به نیم قرن اشغالگری در فلسطین پایان دهیم همان‌گونه که تلاش

کری در دیدار با سیسی:

از اصلاحات کنونی در مصر حمایت می‌کنیم



تماس میان آنهاست.

کری با قدردانی از نقش برجسته مصر در جریان پرونده فلسطین و اسرائیل افزود: مصر نقش مهمی را در جهان اسلام ایفا می‌کند و همواره مانع اجرای ایدئولوژی‌های خصمانه داعش می‌شود که ما به خاطر حضور موثر مصر در منطقه بسیار خرسندیم. تحلیلگران مصری اعلام کردند که نزدیکی دیدگاه قاهره و امریکا درخصوص مسائل امنیتی و مبارزه با تروریسم منطقه، روابط آنها را دچار تحولات مثبتی کرده است.

در همین خصوص یونس مصری، فرمانده گردان هوایی مصر اعلام کرد که سفر سیسی به امریکا به انعقاد قرارداد هلی‌کوپترهای آپاچی انجامید که قرار است به زودی این بالگردها به مصر تحویل داده شود. مصر پیشتر اعلام کرد که برای مقابله با جنگ داخلی که تروریست‌ها در سینا و صحرای غربی ترتیب داده‌اند، بالگردهای آپاچی نیاز دارد که امریکا از ترس استفاده مصر از تجهیزات نظامی علیه مصری‌ها، ارسال هلی‌کوپتر به این کشور را به تعویق انداخت اما مصر به امریکا اطمینان داد که دیپلماسی همواره در کشور پابرجاست و علیه مردم دست به هیچ اقدامی نمی‌زند.

وزیر خارجه امریکا با تأکید بر حمایت قوی خود از اصلاحات صورت گرفته در مصر و به ویژه تلاش‌ها برای تحولات اقتصادی، این کشور را شریک اصلی امریکا در منطقه خواند.

به گزارش روزنامه فرانمنطقه‌ای الشرق الاوسط، جان کری، وزیر امور خارجه امریکا قبل از ترک مصر با عبدالفتاح سیسی، رییس جمهوری این کشور دیدار و درخصوص روابط میان دو کشور بحث و گفتگو کرد.

جان کری طی این دیدار اعلام کرد که امریکا می‌خواهد مصر را در رشد و شکوفایی اقتصاد خود و همچنین مقابله با بحران انرژی که هم‌اکنون با آن روبه‌رو است، یاری کند.

کری همچنین با تأکید بر حیاتی بودن جامعه مدنی مصر از این کشور خواست تا برای مردم این فرصت را فراهم کند تا ندای خود را به گوش مسئولان برسانند.

منابع اعلام کردند که طی این دیدار طرفین به مسائل منطقه‌ای از جمله مساله بازسازی غزه، اوضاع امنیتی لیبی، عراق و سوریه نیز پرداختند.

منابع افزودند: فضای این دیدار مثبت بود و طرفین در میان دیدگاه‌های خود توافق نظر داشتند.

در همین راستا تحلیلگران اعلام کردند که روابط میان مصر و امریکا از زمان سفر سیسی به امریکا دچار تحول زیادی شده که استقبال گسترده بین‌المللی از رئیس جمهور مصر نیز در این تحولات بی‌تأثیر نبوده است.

یک دیپلمات مصر در این خصوص افزود، روابط میان مصر و امریکا باید به دو چارچوب اصلی بپردازد که اولین آن درخصوص روابط استراتژیک میان طرفین است که حتی با وجود تنش‌های دیپلماسی میان طرفین همچنان پابرجاست. مساله دوم مربوط به سیاست‌های داخلی و خارجی دو کشور و مناطق

می‌کنم تا امنیت اسرائیل حفظ شود. وی با اشاره به تشکیل دولت وحدت ملی در غزه گفت: دولت وحدت ملی توانست گروه‌های مختلف فلسطینی را گرد هم بیاورد و باید از آن حمایت کرد.

بان کی مون به کمک‌های بین‌المللی جهت بازسازی غزه نیز اشاره کرد و گفت: مردم غزه نیازی به اعانه ندارند. آن‌ها شغل و یک زندگی شرافتمندانه می‌خواهند. ما تلاش خواهیم کرد غزه را بازسازی کنیم و امروز شاهد ورود مصالح ساختمانی به غزه بودیم گرچه این اقدام ناکافی است.

اون «مجدداً ظاهر شد

پس از مدت‌ها غیبت رهبر کره‌شمالی تصاویری از وی منتشر شد. در این تصاویر مشخص شد که کیم جونگ اون جوان به کمک چوب‌دستی سیاه‌رنگی راه می‌رفت.

به گزارش خبرگزاری رویترز، کیم جونگ اون، رهبر کره‌شمالی در این تصاویر جدید لیخن زده و یک چوب‌دستی به همراه دارد با این حال مشخص نیست که تصاویری که روزنامه رودونگ سینمون منتشر کرده است متعلق به چه زمانی است. در این تصاویر رهبر کره‌شمالی به همراه مشاورانش از منطقه‌ای بازدید کرده و همان لباس همیشگی تیره را به تن دارد اما با کمک چوب‌دستی راه می‌رود. آخرین باری که وی در انتظار عمومی دیده شد، سوم سپتمبر بود که به همراه همسرش به یک کنسرت رفته بود و از آن زمان تاکنون از این رهبر ۳۱ ساله هیچ گزارش رسمی‌ای منتشر نشده بود. کیم جونگ اون حتی در یکی از مراسم مهم کشورش که روز جمعه هفته گذشته در پارلمان برگزار شد، غیبت داشت که همین امر گمانه‌زنی‌ها درباره بیماری، احتمال کودتا و موارد دیگر را تشدید کرد.

خبرگزاری رسمی کره‌شمالی نیز گزارشی درباره کیم جونگ اون و حضور وی گزارش داد که تاریخ آن متعلق به روز سه‌شنبه است اما مشخص نیست که این تصاویر چه روزی گرفته شده است. در این گزارش حتی به وضعیت سلامت و غیبت کیم جونگ اون نیز اشاره نشده است.



بخش سوم

۵ گام برای تصمیم‌گیری بهتر



مترجم: معصومه عشوری مقدم

گام ۴. سازمانی بسازید که به‌خوبی تصمیم می‌گیرد و تصمیمات را به‌خوبی اجرا می‌کند.

هدف مدیریت این است که تصمیم‌گیری مناسب و سریع در سازمان نهادینه شود و پشتیبانی اثربخش تصمیمات تحقق یابد، اما برخی از تصمیمات بسیار مهم گزینه‌های عملیاتی کوچکی هستند که هم‌روزه به وسیله افراد در سراسر سازمان انتخاب می‌شود. مناسب‌سازی این تصمیمات نیازمند محیطی است که افراد را در همه سطوح به تصمیم‌گیری و بهره‌گیری از تصمیمات توانمند می‌سازد. همه عناصر سیستم سازمانی باید از تصمیم‌گیری خوب و اجرای درست تصمیمات پشتیبانی کنند. بنابراین مرحله چهارم از این فرآیند شامل بازرسی و به‌سازی این عناصر است، هم عناصر سخت سازمان همچون ساختار و فرآیندها و هم عناصر نرم، مانند کارکنان و فرهنگ.

قدرت این رویکرد در شیوه تمرکز آن بر سرمایه‌گذاری‌های سازمانی است که بیشتر سازمان‌های بزرگ هم‌روزه انجام می‌دهند. یکی از مهم‌ترین اهداف هر تلاش برای به‌سازی روندها و فعالیت‌های سازمانی این است که آیا آن تلاش منجر به بهبود تصمیم‌گیری و اجرای آن شده است یا خیر. به عنوان مثال، دیدگاه سازمان‌ها درباره استعدادهای کارکنان را در نظر بگیرید. در این زمینه، پرسش سستی به این صورت مطرح می‌شود که آیا ما در رقابت با سازمان‌های دیگر، برنده ماهرترین و مستعدترین نیروی انسانی می‌شویم؟ اما این تصمیم اگر متمرکز بر به کارگیری بهترین کارکنان در بهترین جایگاه‌ها؛ یعنی اختصاص مناسب به هر یک از افراد باشد، موفق‌تر خواهد بود. تصمیم‌گیران باید پرسش را به این صورت مطرح کنند: «آیا ما کارکنان خود را در جایگاهی قرار می‌دهیم که بهترین و بیشترین تأثیر را بر تصمیم‌گیری‌های سازمانی داشته باشند؟»

برای پاسخ به این پرسش کلیدی متمرکز بر تصمیم‌گیری باید بدانید که موقعیت‌ها و جایگاه‌های کلیدی در سازمان شما کدام‌اند. این جایگاه‌ها مشاغل هستند که بیشترین تأثیر را بر تصمیم‌گیری‌های حیاتی می‌گذارند و از آن‌جا که برخی از این تصمیمات می‌توانند در هر سطحی از سازمان قرار داشته باشند؛ یعنی بسیاری از آن‌ها می‌توانند در سطوح عملیاتی و بسیار پایین سازمان باشند. گام بعدی، تعیین افرادی است که می‌توانند به بهترین وجه این جایگاه‌ها را پر کنند. این یعنی تخصیص تک تک افراد به تک تک مشاغل بر حسب تناسب و کارایی آن‌ها در آن شغل.

داشتن چنین دیدگاهی نسبت به سازمان می‌تواند نگرش شما را درباره استعدادها و سازمانی، تغییر دهد. به عنوان نمونه، یک شرکت شاغل در حوزه فناوری، مشاغل حیاتی خود را شناسایی کرد و ارزیابی کرد که چه میزان از این مشاغل و جایگاه‌ها به وسیله افرادی اشغال شده است که بهترین عملکرد را داشته‌اند؟ پاسخ این پرسش کمتر از ۳۰ درصد بود. سپس مدیران این شرکت از خود پرسیدند که چه تعداد از کارکنانی که عمل‌کرد بالایی داشته‌اند، در موقعیت‌های بسیار حیاتی و وابسته به مأموریت سازمان قرار دارند؟ پاسخ این پرسش هم تنها ۴۰ درصد بود. اندیشیدن به این موضوعات با مینا قرار دادن دیدگاه مبتنی بر تصمیم‌گیری به این شرکت کمک کرد که از موجودی کارکنان و استعدادها موجود برای به‌سازی اثربخشی تصمیم‌گیری‌های سازمانی خود استفاده کند.

البته مدیریت استعدادها تنها بخشی از کاری است که باید در یک سازمان انجام گیرد، اما مدیران می‌توانند پرسش‌های مبتنی بر تصمیم‌گیری را در همه عناصر سازمانی مطرح کنند. ارزش‌یابی سازمان بر اساس این معیارها به شما امکان ارزیابی دقیق‌تر نیازهای سازمان درباره به‌سازی و چه‌گونه‌گی به‌سازی آن‌ها را فراهم می‌آورد.

بخش دوم و پایانی

ژاک دریدا و فلسفه‌اش

جولیان یانگ

برگردان: صالح نجفی

دیفرانس است. البته این‌که چند و چون حاضرشدن واقعیت به نزد ما وابسته به زبان است، به هیچ روی بدین معنا نیست که خود واقعیت وابسته به زمان است. این مدعی اخیر از آن روی پوچ و بی‌معناست که لازم‌اش این است که مقدم بر به صحنه آمدن انسانی که در چارچوب زبان جهان را ادراک می‌کند، اصلاً هیچ چیزی وجود نداشته است. پس نیاز داریم به دقت میان دو گزاره تمایز بگذاریم:

الف) زبان است که تشکل مکانی-زمانی واقعیت را تولید می‌کند.

ب) زبان است که مکان و زمان را تولید می‌کند.

کدام‌یک از این دو گزاره منظور نظر دریداست؟ پاسخ به این پرسش به گمان من ممکن نیست. او غالباً زبان (ب) را اقامه می‌کند (مثلاً در D p. ۱۳). و ای بسا از تأثیر عظیم آن لذت می‌برد. اما همواره این امکان برای او مفروض است که بگوید گزاره (ب) چیزی نیست جز بازگفتن گزاره (الف) به صورتی موجز و سر بسته. اما در زنجیره استدلال‌های فوق‌الذکر، گزاره (۱) چه جایگاهی دارد، این ادعا که دیفرانس است که «زبان و هر نظام یا مجموعه قوانین ارجاع» را در کل تولید می‌کند؟ دیفرانس چیست؟ من باز فکر

۳- یک چیز برای آن‌که شی‌یی حاضر باشد، باید گذشته‌یی و آینده‌یی داشته باشد. (مثلاً، برای حضور داشتن به مثابه یک نهال، یک چیز باید در گذشته دانه می‌بوده و در آینده یک درخت). پس یکی از اجزای بنیادین فرایند تولید آن‌چه حضور دارد به وسیله زبان، این است که زبان «زمان‌مند می‌سازد»، یعنی زبان آن‌چه را حضور دارد «زمان‌مند می‌سازد». زبان بخشی از وجود شی حاضر را به گذشته «موکول می‌کند» (defers = به تعویق می‌اندازد) و سنجشی از وجود آن را به آینده. (دریدا در این‌جا به شیوه‌یی کمابیش مبهم با فعل فرانسوی defferer بازی می‌کند که هم به معنای «به تعویق انداختن» است و هم به معنای «تفاوت گذاشتن»). بنابراین زبان آن‌چه را «واجد حضور می‌شود» زمان‌مند می‌کند. و از آن‌جا که دیفرانس است که زبان را تولید می‌کند، اساساً همین دیفرانس است که آن‌چه را «واجد حضور می‌شود» زمان‌مند می‌سازد. این یکی دیگر از ویژه‌گی‌های ماهوی دیفرانس است: دیفرانس نه تنها «فاصله می‌اندازد» [و بدین اعتبار «فضا» ایجاد می‌کند]، که «زمان‌مند»



می‌کنم «واسازی» نوشته‌های دریدا (که درباره‌اش کمی بعد بیش خواهیم گفت) از دو دیدگاهی پرده برمی‌دارد که من آن‌ها را (A) و (B) خواهم خواندم.

(A): به گفته دریدا دیفرانس از «وجود» (Being) هایدگر «کهن‌سال‌تر» است (D p. ۲۶). دیفرانس منشای مکان و زمان است. دیفرانس در حقیقت همان پولموس (جنگ یا کشمکش) هراکلیتوس است. (و اصلاً تصادف به نظر نمی‌رسد که دیفرانس با چنین قوتی پاره ۵۳ کلمات قصار هراکلیتوس را به خاطر می‌آورد: «کشمکش پدر همه چیز است...») البته این خدای پولموس خدایی است که درباره سرشت ذاتی‌اش هیچ نمی‌توان گفت. دیفرانس، به منزله پیش‌فرض همه زبان‌ها، وجه «نام‌ناپذیر» زبان است. (این به واقع استنتاج مخوفی است؛ دستور زبان [گرامر] پیش‌فرض همه زبان‌هاست، همچنان که آدمیان پیش‌فرض وجود هر زبانی هستند اما هر زبانی بی‌گمان می‌تواند

هم می‌سازد.

۴- از این‌جا نتیجه می‌گیریم که دیفرانس منشای فضا و زمان است. چه باید کرد با این شعبده‌بازی آشکار که خرگوش بزرگی را از داخل کلاهی بالنسبه کوچک بیرون می‌کشد؟ بر پایه یک قرائت خاص، حرکت تفکر از مرحله (۲) به سمت مرحله (۴) کاملاً منظم و به‌سامان است. به عبارت دیگر، راست (true) است که جهان به نزد جماعت‌های زبانی متفاوت به انجایی متفاوت ظاهر یا «حاضر می‌شود» و راست است که بدون «فاصله‌اندازی‌ها» و «زمان‌مندسازی‌های» زبان، واقعیت اصلاً به صورت جهانی [در چارچوب یا مختصات] زمان-مکان به ظهور نمی‌رسد. پس این هم راست است که نفس «حاضرشدن» چیزها به نزد ما و چند و چون «حضور یافتن» شان، وابسته به زبان ماست. بر این اساس، اگر مدعی دریدا درباره نسبت میان زبان و دیفرانس صادق باشد، تشکل یافتن واقعیت در مختصات زمان - مکان لاجرم وابسته به

سوسن شریعتی



زیستن همچون مجازات

ناطلس بر فلم «تعبید» اثر روس آندریس زویاگینستو

«وظیفه سنگین سینماگر و اصولاً هر خالق اثری، عبارت است از آشکار ساختن آنچه که نادیدنی است. آنچه که دیده می‌شود، گذراست و آنچه که به چشم نمی‌آید، جاودان. برای بر ملا کردن امور نادیدنی، باید شبیه ظهور عکس عمل کرد، هم‌چنان که حلقهٔ فلم را از طریق فرو بردن آن در تشتی از مواد شیمیایی ظاهر می‌کنند.» آندره زویاگینستو

این بار همه چیز برعکس است. این بار قرار است فاجعه نه در یکی از آن کوچه پس کوچه‌های آلودهٔ پُروحشت و پُرتوطیهٔ نکبت‌زدهٔ حومه‌های شهرهای صنعتی، در آن خانه‌های کارتنی بی‌پنجره و بی‌آفتاب، هم‌جوار خط آهن و کارخانه؛ که در زیر آسمان آبی و در دشت‌های سرسبز و با چهچهٔ بلبلان و نسیم خنک درختان و از این‌قسم کلیشه‌ها، درست وسط طبیعت و وعده‌هایش برای زنده‌گی، در آن دست‌خانه‌های بلندسقف و پنجره‌های پُرسخاوت روستایی، اتفاق بیفتد! چه اهمیتی دارد که معلوم باشد کدام شهر است و کدام طبیعت؟ همهٔ طبیعت‌های عالم در برابر همهٔ شهرهای بی‌قوارهٔ صنعتی (۱) رفت و برگشت دوربین میان دو فضا در آغاز فلم تأکیدی است بر این تعارض دو دنیا. دوربینی که از طبیعت سخاوت‌مند و پُرافتاب و گشوده به کوچه‌های بخیل و تاریک و باران‌زدهٔ حومه شهری صنعتی می‌رسد، سرک می‌کشد به خانه‌ی حقیر و سرد و بی‌روح که در آن دو مرد، دو برادر مشغول پوشاندن حادثه‌ی و تدارک گریز از حادثه‌ی دیگری و پس از اندکی، دوربین باز همین مسیر را برمی‌گردد و این بار خانواده‌ی را می‌بینی، نشسته در قطاری که در دل طبیعت پیش می‌رود.

یک زن و یک شوهر با دو فرزندشان به خانهٔ پدری برمی‌گردند، یا به قصد فرار از شهر و خطراتش یا به قصد بازسازی رابطه‌ی که دیگر رابطه نیست. تأکیدات مکرر دوربین بر حلقه‌های ازدواج زن و مرد که هر کدام با فرزندی در گوشه‌ی از کوپهٔ قطار نشسته‌اند، ظاهراً همین را می‌خواهد بگوید: یک جبهه‌بندی پنهان میان پدر-پسر از یک‌سو و مادر-دختر از سوی دیگر، یک بی‌اعتنایی ممتد و متقابل. این یکی «خزیده در خویش» و آن یکی «بریده از غیر». شوهری خشک، مقتدر و سرد که برای به‌دست آوردن پول، ملام در سفر است و زنی از فرط تنهایی و فقر و بی‌توجهی، ضعیف و شکننده و ناتوان از دوست داشتن، وظیفه‌شناس اما دور و غیرقابل دسترس، با فرزندانی مغموم و به‌نجوی بی‌صاحب.

قرار است رها کردن شهر و پناه بردن به طبیعت برای این خانواده یک اتفاق خوب باشد تا فاصله‌های افتاده میان اعضای آن طی شود، تا همه بتوانند بار دیگر بوی گل و سبزه و گرمای آفتاب بی‌دریغ و... میزبانی برای دوستان را به یاد آوردند و آن بیگانه‌گی شهر باران‌زدهٔ سرد و بی‌روح و آن، هم‌جواری با قطار و کارخانه را فراموش کنند. مردی که تصمیم گرفته به خانواده برگردد و این بار پدری کند. همهٔ صحنه‌های اولیهٔ فلم، یعنی همان بیست و چهار ساعت ورود به خانهٔ پدری، نشان از این ارادهٔ معطوف به بازسازی دارد: گردش‌های چهارنفره، کمک به همسر برای شست‌وشوی دو کودک، کمک به کارهای کوچک خانه و از سرگیری یک روزمره‌گی خانواده‌گی فراموش‌شده... اما هم‌چنان بی‌اعتنا و دور با تک‌توک لحظاتی که دست این خانواده را ناگهان باز می‌کنند: دخترکی ناراضی از این‌که مادرش خرگوش کوچولو صدایش کند و معترف به این‌که چیز زیادی به وجدش نمی‌آورد؛ گریهٔ پنهانی زن و استیصال او در برابر این کودک بی‌افسون و افسانه و دست آخر رفت‌وآمدهای ماشینی پدر. آدم‌هایی کم‌حرف در فلمی کم‌حرف، سکوتی که از غیبت گفت‌وگو میان آدم‌های قصه پرده برمی‌دارد و قرار است خود آستن فاجعه‌ی باشد. فلمی با ریتمی کند، کشدار و پُر از دل‌وایی.

آدم‌های کم‌حرف، زمان بی‌حرکت و بی‌دست‌پاچه‌گی و دست آخر تأکید بر دورافتاده‌گی سمج پرسوناژها از یکدیگر، همه‌گی معلوم می‌کند که این خانواده مهاجر، چیزی از آن سرما و تاریکی و غربت شهر را با خود به این طبیعت دست‌نخورده آورده است.

خیانت همچون انتقام

در همان شب ورود، در اولین فرصتی که زن و شوهر تنها می‌شوند، پس از یک روز پُرکار و در لحظاتی که همه چیز دعوتی است به آرامش، زن با افشای یک خبر غیرمترقبه جلو این کم‌حرفی خانوادهٔ خوشبخت را می‌گیرد تا تراژدی پا گرفته باشد. او با اعترافی نابه‌هنگام هیچ فرصتی برای بهبود روابط باقی نمی‌گذارد. درست

آن‌کس که قادر به دوست داشتن نیست، قادر به بخشش نیز نخواهد بود. تصمیم می‌گیرد زن را وادار به سقط جنین کند، دوست خاین را (رابرت) بکشد و وعدهٔ زنده‌گی بهتری را در آینده به همسرش بدهد. تصمیمش را به زن که تسلیم است و بی‌مقاومت ابلاغ می‌کند، تصادفاً قرار می‌شود که کودکان شب را با هم‌بازی‌های خود در همسایه‌گی بگذرانند و دست آخر برادر را خبر می‌کند تا متخصص سقط جنین‌های مخفیانه را با خود بیاورد. از این‌جا به بعد دیگر زن را نمی‌بینی.

با غیبت زن، مردان ظاهر می‌شوند؛ مردانی که هر یک به واسطهٔ آشنایی با یکدیگر و هر یک با کاربردی پیدایشان می‌شود. یکی چون تکنیک می‌داند، دیگری از سر هم‌پسته‌گی با برادر زخم‌خورده و آن آخری که می‌خواهد غرور جریحه‌دارش را با کشتن جنینی در حال رشد التیام بخشد. شب است و تاریکی و شبح مردانی که دست اندر کار از میان برداشتن آثار خیانت زن هستند. درست در هنگامی که کودکان در حال باز چیدن پازل تابلویی‌اند که اشاره به «خبر بزرگ» دارد (تولد مسیح)، می‌بینی که کودک نامشروع دیگری دارد می‌میرد. درست در همان لحظاتی که کودکان دارند به قطعه‌ی از کتاب مقدس گوش می‌دهند که در آن سخن از ضرورت عشق است برای زنده ماندن.

مردن همچون انتقام

شب طولانی به مرگ کودک ختم نمی‌شود و با سر زدن سپیده، مادر نیز می‌میرد. در تمامی طول شب هیچ‌کس جرأت نکرده به اتاق قدم بگذارد مگر وقتی که دیگر خیلی دیر است. دو برادر می‌مانند با دو جسد و دستانی آلوده... این بار دیگر خون هابیل را بر دستان قابیل نمی‌بینی، این بار خون محبوب است بر دستان آن دو. دوست پزشک دیگری سر می‌رسد، بر بالین زن می‌رود، خبر مرگش را می‌آورد و البته اطمینان می‌دهد که توجیه قانونی‌اش را دست و پا خواهد کرد. با نامیه‌ی که بر بالین مرده پیدا می‌شود، برادر می‌فهمد که در تمامی این مدت همسر برادرش نیز در حال تدارک توطیهٔ دیگری بوده است، مردن! عاملانده گذاشته است تا پدر دست اندر کار قتل فرزند خویش گردد. می‌فهمد که مرگ زن نیز نه تصادفی و محصول سقط جنین ناموفق، که آگاهانه و ارادی بوده است. معلوم می‌شود که این زن تسلیم در آخرین لحظات طراح سرنوشت خود شده و طراح سرنوشت آن دیگری نیز. برادر که خود را شریک این فاجعه می‌بیند، پس از خاک‌سپاری زن قربانی، با این راز می‌میرد.

زیستن همچون مجازات

با مرگ همسر و برادر، مرد عزادار، بی‌خبر از ابعاد ناپیدای این فقدان ناگهانی، معذب و کور، تنها کاری که برایش می‌ماند، کشتن عمو رابرت است. از طبیعت به شهر برمی‌گردد به قصد انتقام نهایی، بی‌هیچ لذتی. در آستانهٔ این مواجهه، با کشف نامهٔ همسرش یک بار دیگر رو دست می‌خورد و در این آخرین اقدام نیز ناکام می‌ماند: مرد غریبه خود او است، پدر آن کودک نامشروع خود او است، قاتل آن زن خود او است و مسول مرگ آن کودک نیز خود او است. همهٔ آن برنامه‌ریزی اولیه که به قصد مدیریت غیرمترقبه‌ی به نام زنده‌گی طراحی شده بود، بر باد می‌رود.

زن، دروغ گفته است تا انتقام بگیرد. مرد می‌کشد تا انتقام بگیرد. زن تصمیم به مردن می‌گیرد تا انتقام بگیرد. در این سیکل بسته، در نتیجهٔ زنده ماندن می‌شود طردشده‌گی و تبعید. می‌شود مجازات. محروم شدن از چیزی یا کسی یا جایی. طبیعت می‌شود قتلگاه. این خانوادهٔ کم‌حرف و بی‌گفت‌وگو، هر یک برای آن دیگری یک سورپرایز است، هر یک برای آن دیگری یک تهدید.

بازگشت به طبیعت با مرگ زن، کشتن یک جنین، یتیمی کودکان و پدری متهم به پایان می‌رسد... آدم‌هایی که دیگر حتماً طبیعت نمی‌تواند نجات‌شان دهد. پدر می‌ماند با فرزندانی یتیم تا آن‌ها نیز مانند او و برادرش بی‌مادر بزرگ شوند، بی‌تجربه دوست داشته شدن و دوست داشتن. تقدیری خاموش، سرگذشت مرد را بدل به سرنوشت کودکانش می‌کند و ابزار آن، خود او.

آندره زویاگینستو در این فلم همان روش ظهور فلم را پیش گرفته است: ظهور تدریجی آن غیرقابل رویت اما موجود؛ تقدیر؟ تنهایی انسان در غیبت عشق، تف سربالایی به نام زنده‌گی؟ همهٔ این‌ها و این‌همه یعنی همان آموزه‌هایی انجیلی که هم‌چون تذکراتی و یا نشانه‌هایی در این‌جا و آن‌جا فلم حس می‌شوند بی‌آن‌که دیده شوند. به تعبیر برسون، «درست مثل بادی که دیده نمی‌شود اما با نگاه کردن به سطح آب رودخانه و یا شاخه‌های درختان می‌توان به وجودش پی برد». معنایش این است که واقعیت را نباید به آنچه قابل رویت است، تقلیل داد و همین باور، فلم را فراتر از گزارش از یک تراژدی خانواده‌گی برده است. در غیبت عشق، زنده‌گی می‌شود مجازات و مردن می‌شود رهایی؛ همان غایبی که آندره زویاگینستو آشکار کرده است!

(۱) این فلم در کشورهای مولداوی، بلژیک و شمال فرانسه فلم‌برداری شده است.



کمیسیون های متهم انتخاباتی و سکوت دولت وحدت ملی

ناحیه نوری

تطبیق قانون باید در گام نخست از کمیسیون های انتخاباتی آغاز شود که افغانستان را تا لبه پرتگاه به پیش برده اند.

شماری از نمایندگان مجلس و حقوق دانان با بیان این مطلب می گویند، اصلاحات در نهادهای انتخاباتی افغانستان یکی از موارد مهم توافق نامه سیاسی میان هردو طرف است و باید عملی شود.

آنان تاکید کردند، تقلب، تقلب است و از طرف هر کسی که صورت گرفته باشد، باید مورد پیگرد قرار گیرد؛ اما زمانی که در این باره سکوت می شود، سوالاتی به میان می آید که ممکن پای بعضی ها در میان باشد.

بنابر موافقت نامه سیاسی میان دو نامزد پیشنهاد که بر مبنای آن حکومت وحدت ملی تشکیل شد، باید اصلاحات اساسی و بنیادی قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی به وجود بیاید.

نمایندگان مجلس و شهروندان کشور از رهبری دولت وحدت ملی خواسته اند، کسانی را که در تقلب های انتخابات دست دارند، به دادگاه بکشاند. اما معاون کمیسیون انتخابات روز دوشنبه گفت که آن ها بهترین انتخابات را در سطح منطقه برگزار کردند.

اعضای کمیسیون های انتخاباتی همچنان می گویند که برکناری شان در مغایرت با مواد مندرج قانون انتخابات است و تعدیل، ایزاد و حذف مواد این قانون از صلاحیت های شورای ملی می باشد.

در همین حال، قانون اساسی تاکید دارد که شورای ملی نمی تواند در یک سال اخیر کاری شان در قانون انتخابات تعدیل و تغییر وارد سازند.

طاهر هاشمی استاد دانشکده حقوق دانشگاه کابل می گوید، زمانی که دکتر غنی از تصفیه کابل و اصلاحات در نهادهای قضایی با قاطعیت سخن می زند؛ اما از اصلاحات در کمیسیون های انتخاباتی حرفی به میان نمی آورد، سوالاتی در ذهن مردم خلق می شود.



وی تاکید کرد، در قدم نخست باید تطبیق قانون از نهادی که مرکز فساد است یعنی کمیسیون های انتخاباتی، شروع می شود؛ اما امیدوار استیم که روزی نوبت کمیسیون انتخابات هم برسد.

به گفته این استاد دانشگاه، تقلب، تقلب است و از طرف هر کسی که صورت گرفته باید مورد پیگرد قرار گیرد؛ اما زمانیکه در این مورد سکوت شود، سوالاتی به میان می آید که ممکن است پای بعضی ها به شمول حامد کرزی در میان باشد.

او افزود، زمانی که یک رئیس جمهور به قدرت می رسد، باید به مسایل بپردازد که بیشتر ذهنیت مردم را درگیر خود کرده و حالا زمان آن است که رئیس جمهور با اقدام در این زمینه اعتماد مردم را نسبت به خود جلب کند.

استاد هاشمی تصریح کرد، دکتر غنی با رفتن به پلیس نشانی که شخص کارکن است و قانون را تطبیق می کند؛ اما نباید فعالیت تنها در یک بخش صورت گیرد و یک بخش دیگر فراموش شود، زیرا عدم رسیدگی به اصلاحات در نهادهای انتخاباتی سبب به وجود آمدن یک خلا در تطبیق قانون خواهد شد.

در همین حال، احمد بهزاد عضو مجلس نمایندگان می گوید، اصلاحات در نهادهای انتخاباتی افغانستان یکی از موارد مهم توافق نامه سیاسی میان هردو طرف است و باید عملی شود.

او تاکید کرد، اصلاحات اساسی و بنیادی بخشی از موافقت نامه سیاسی است و تا زمانی که این اصلاحات

عملی نشود، هیچ دلیلی هم برای ما و هم برای مردم افغانستان قابل قبول نخواهد بود.

به باور این عضو مجلس، نکته مهم دیگر این که باید قبل از برگزاری انتخابات دیگری چه پارلمانی و چه شورای ولایتی، توزیع شناسنامه های برقی است و تا زمانی که این شناسنامه ها توزیع نشود، حتی اصلاحات در نهادهای انتخاباتی هم موثر نخواهد بود.

وی تصریح کرد، اما بدون در نظر داشت مواد موافقت نامه که همانا اصلاحات در نهادهای انتخاباتی می باشد، غیر ممکن است و برگزاری انتخابات بدون اصلاحات در نهادهای انتخاباتی به هیچ عنوان امکان پذیر نیست.

به گفته بهزاد، دکتر غنی به تنهایی نمی تواند دست به اصلاحات در کمیسیون های انتخاباتی بزند، به این معنا که هم رئیس جمهور و هم رئیس اجرایی دولت وحدت ملی نمی توانند به تنهایی دست به عزل و نصب مقامات بلند پایه بزنند؛ بنابراین عزل و نصب مقامات در مشوره باهمدیگر باید صورت گیرد که این مورد هم نیاز به زمان دارد و هم ملزم به مطالعه دقیق است.

هر چند تا هنوز زمان ثبت نام نامزدان انتخابات پارلمانی مشخص نیست، اما شماری از کسانی که می خواهند برای پارلمان خود را نامزد کنند، می گویند تا زمانیکه اصلاحات بنیادی در هردو کمیسیون انتخاباتی به میان نیاید، برای ثبت نام حضور نخواهند یافت.

به گفته آنان، اگر اصلاحات در نهادهای انتخاباتی به میان نیاید، کسانی که به کرسی پارلمان تکیه خواهند زد، در انحصار گروهی خاصی خواهد بود که این مورد برای آینده افغانستان بسیار خطرناک است.

این در حالی است که تأخیر طولانی در اعلام نتایج انتخابات شوراهای ولایتی، نامزدان این شوراها را نیز به ستوه آورده است و با گذشت بیش از شش ماه از انتخابات شوراهای ولایتی، هنوز نتایج نهایی این انتخابات مشخص نیست؛ اما کمیسیون انتخابات گفته که انتخابات ما در سطح منطقه موفق بوده است.

هر وزارت یک بخش درمان بیماری روانی ایجاد کند.

ریچارد پیرکارن نماینده سازمان صحت جهانی در افغانستان، گفت که این سازمان به تلاش و کمک هایش با وزارت های صحت و امور زنان برای کاهش بیماری و مشکلات روانی ادامه می دهد.

نیروهای امنیتی در سراسر کشور افزایش دهد. به گفته او، سربازان و مسولان امنیتی نسبت عدم کنترل و نظارت، کم تر در وظایف خود در کندک ها و پاسگاه های شان حضور دارند.

به باور آقای پهلوان، اگر وزارت های دفاع، داخله و امنیت ملی کنترل شانرا بیشتر کنند؛ وضعیت امنیتی کشور بهتر می شود.

از آغاز بکار حکومت جدید تاکنون، حملات تروریستی و چالش های امنیتی در کشور افزایش یافته است. در چند روز پسین کابل و شماری از شهرهای دیگر افغانستان گواه حملات انتحاری بوده اند.

بحر عنوان داشت: همه مردم اراده دارند که مجرمین قضیه کابل بانک به پنجه قانون سپرده شوند.

به گفته این نمایندگان، حکومت جدید با یک نیت و اراده قوی سیاسی می تواند به حل مساله کابل بانک دست یابد در غیر آن اگر باهم مصلحت و سلیقه های شخصی و قومی را به کار برد، در حل این قضیه کامیاب نخواهد شد.

این نمایندگان تاکید دارند که مردم افغانستان، پارلمان و جامعه مدنی طرفدار پیگیری جدی قضیه کابل بانک هستند و در این رابطه از حکومت حمایت خواهند کرد و زمانی که مردم از این اقدام حکومت حمایت کنند دیگر بهانه برای عدم موفقیت حکومت در حل قضیه کابل بانک باقی نمی ماند.

موتورهای تعقیبی دیگر...

چهار راه ترورستان تبدیل شده است.

او هدف برگزاری این سمینار را شناسایی ضعف های پولیس یاد کرد و از فرماندهان امنیه ولایت ها خواست که در این سمینار روی ضعف ها بحث کرده و راه های حل مناسب را پیشنهاد کنند.

آقای داوودزی، کم کاری برخی فرماندهان در قسمت نشان دادن شجاعت از خود و نرفتن به ساحه، نفوذ و مداخلات سیاسی در صفوف پولیس، در عرصه حقوق بشر و تخلفات بر علیه زنان و شمولیت زنان در صفوف پولیس، ناهماهنگی فرماندهان در ولایت ها، مبارزه با اختطاف و سرقت های مسلحانه را از ضعف های پولیس خواند و گفت که کارهای اندکی در این موارد صورت گرفته است.

سرپرست وزارت داخله افزود: پولیس در مبارزه با غصب زمین که خواست جدی رییس جمهور غنی است، کاملاً ناکام بوده و وزارت داخله تلاش دارد که پولیس به وظیفه سستی خود برگردد و در این راستا به تعلیم و تربیت بیشتر ضرورت است.

او همچنین، فرهنگ رجال برجسته را از مشکلات دیگر پولیس خواند.

وی تصریح کرد: « از ناحیه فرهنگ رجال برجسته متضرر استیم، وزرا مقام های عالی رتبه دولتی، شاروال، معینان و حتا آمرین حوزة ها، موتورهای تعقیبی دارند که فقط نمایش است و دیگر قابل تحمل نیست».

او در اخیر به دشمنان افغانستان هشدار داد که در این فکر هرگز نباشند که این نظام سقوط خواهد کرد. «این خواب است و خیال است و محال؛ کشور به حلی رسیده که چند نفر به نام این و آن نتوانند این نظام را ضربه بزنند و یا سقوط دهند».

هم زمان با این سمینار، وزارت دفاع و امنیت ملی نیز به صورت جداگانه چنین سمینار های را برگزار کرده اند و قرار است امروز، این سه نهاد با هم به صورت مشترک روی مشکلات نیروهای امنیتی بحث کنند و فردا هم بیانیه مشترک هر سه نهاد صادر خواهد شد.

مجلس عوام انگلیس کشور فلسطین را به رسمیت شناخت



نمایندگان مجلس عوام انگلیس در اقدامی نمادین طرح به رسمیت شناختن کشور فلسطین را تصویب کردند.

به گزارش شبکه آر تی، در این رای گیری که اواخر روز دوشنبه انجام شد، ۲۷۴ نماینده مجلس عوام از این طرح حمایت و ۱۲ نفر دیگر به آن رای منفی دادند.

این در حالی است که این طرح که با اکثریت آراء نمایندگان مجلس عوام انگلیس تصویب شد تغییری در موضع دولت انگلیس در قبال مناقشه میان اسرائیلی ها و فلسطینی ها ایجاد نمی کند.

این طرح به این دلیل نمادین اعلام شده است که دولت لندن می تواند به طور رسمی فلسطین را به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت شناسد اما خبرگزاری رویترز به این نکته اشاره کرد که این طرح نمادین می تواند بر روند صلح میان اسرائیلی ها و فلسطینی ها سازنده باشد. پیش از این بسیاری پیش بینی کرده بودند که این طرح در مجلس عوام انگلیس شکست خواهد خورد.

برخی از جمله گراهام موریس، یکی از نمایندگان مجلس عوام از این طرح به عنوان یک فرصت تاریخی یاد کردند.

این طرح از سوی دیوید میلیبند، رهبر حزب مخالف کارگر پیشنهاد شده بود.

Mandegar

برنامه غذایی جهان جیره غذایی یک میلیون افغان را کاهش داد



نیروهای ایتلاف زیر رهبری ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۰۱ دریافت کننده ده‌ها میلیارد دلار کمک بین المللی بوده است. این کشور هنوز هم نیاز زیاد به کمک‌های خارجی دارد. برنامه غذایی جهان در تامین مواد غذایی حدود ۳.۷ میلیون نفر کمک می‌کند که حدود ۱۰ درصد جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهد. با خروج اکثر نیروهای بین المللی در پایان سال جاری میلادی، بسیاری سازمان‌های امدادی نگران اند که کمک‌ها ممکن است کاهش یابند و کشورهای کمک‌دهنده قبلاً مصروف بحران‌های دیگر به شمول مبارزه با ویروس ایبولا و مهاجران سوریه و عراق شده اند. کارمندان امدادی می‌گویند که کاهش شدید پول‌های امدادی ممکن است دست‌اوردهای اجتماعی ۱۳ سال گذشته را به مخاطره مواجه سازد. مسئول بخش افغانستان برنامه غذایی جهان گفت: «در این مرحله زمانی حساس مهم است که افغانستان به فراموشی سپرده نشود».

برنامه غذایی جهان به دلیل کمبود بودجه سهمیه یا جیره غذایی حدود یک میلیون افغان را کاهش داده است. این خود نشان‌دهنده این است که با ختم ماموریت جنگی نیروهای بین‌المللی در افغانستان کمک‌ها به این کشور نیز کاهش خواهند یافت. برنامه غذایی سازمان ملل متحد از طریق کمک‌های بلاعوض کشورهای عضو تمویل می‌شود. کلاود جیبیدار، مسوول افغانستان برنامه غذایی جهان گفته است که این سازمان با شکاف ۳۰ میلیون دلری در تمویل برنامه‌های خود در افغانستان مواجه است. او در مصاحبه‌ای با خبرگزاری رویترز گفت که به این دلیل مجبور شده اند سهمیه یا جیره غذایی افغان‌های نیازمند کمک را کاهش دهند. به گفته او، جیره غذایی حدود یک میلیون نفر از روزانه ۲۱۰۰ کالوری به ۱۵۰۰ کالوری کاهش یافته است. بسیاری از این افغان‌ها که کمک‌های برنامه غذایی جهان را به دست می‌آورند، به دلیل جنگ میان طالبان و نیروهای حکومتی خانه‌های شان را ترک کرده اند. رییس بخش افغانستان برنامه غذایی جهان هشدار داده گفت: «غذا چیزی است که هر کسی روزانه به آن نیاز دارد. بنابراین این (مشکل) جدی است». این اداره صرف حدود شش هفته وقت دارد که ذخایر قبلی در گدام‌ها غذایی، برای امداد رسانی به مناطق کوهستانی رسانده شوند. زیرا معمولاً در جریان زمستان سخت راه‌ها به آن مناطق مسدود می‌شوند. افغانستان بعد از شکست رژیم طالبان توسط

د دولتی ادارو اصلاح کول د ملي یووالي د دولت لومړی ازمېښت



لپاره درې څلور ادارې جوړې شوي دي. ښاغلی دلیلی په دې اند دی، چې دغه ډول ادارې او نورې هغه تجزیه شوې ادارې، چې چارې یې یوه اداره پر مخ وړلای شي، ښه ده چې له منځه لاړې شي او په یو بل کې مدغم شي، خو چې قانون پوهان او د قانون جوړونکي ادارې ورته روښانه کړي چې څه ډول قوانین ورته اړتیا لري. قاضي رازمحمد دلیلی وايي، چې د ادارو په کمښت او د اضافه هغو په لمنځه وړلو سره به په چارو کې شفافیت تامین شي، د ادارو په چارو کې به څوک لاسوهنه نشي کولای او کارونه به ښه پر مخ ځي. نوموړی په دې باور دی، هغه ادارې چې له پخوا نه د اړتیا له مخې او په سټنډرډ ډول جوړې شوي، چې عامه گټې په کې نغښتي... ادامه صفحه ۷

د سیاسي چارو پوهان او د ولسي جرگې یوشمېر غړي وايي، هغه ادارې چې خلکو ته د امتیازاتو او لوړو معاشونو لپاره ورکول شي، ښه ده چې له منځه لاړې شي. هغوی وايي، په ادارو کې فساد له همدې ځایه سرچینه اخلي او که چېرې د وزارتونو او ادارو شمېر کم شي؛ نو په ادارو کې به شفافیت تامین او څارنه به یې اسانه شي. ځینې پوهان وايي، چې دا اصلاحات په ادارو کې د نوي حکومت لپاره یو ازمېښت او باید چې سیاسي موخې په کې نه وي نغښتي، بلکې یوازې د چارو د ښه سمون لپاره وي. د سیاسي چارو شنونکی قاضي راز محمد دلیلی ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، چې هره اداره د اړتیا له مخې رامنځته کېږي، چې د اړتیا وړ چارې مخ ته بوځي. هغه وايي، اوس مهال په افغانستان کې دوه ډوله ادارې او وزارتونه شتون لري، یو هغه چې د اړتیا له مخې پخوا رامنځته شوي؛ ځینې یې یوشمېر کسانو ته د لوړو معاشونو او امتیازاتو د ورکړې له امله رامنځته شوي، چې گټه نه لري. د ده په وینا، د ولسمشر سلاکاران، د سولې عالي شورا، یوشمېر کمسیونونه او ځینې هغه ادارې چې کار یې یوه اداره کولای شي خو د نوم او ځينو کسانو ته د معاشونو

وزیر خارجه ایران در وین:

اختلافات باقی مانده هسته‌ای بسیار زیاد است



پایتخت اتریش شدند. دور تازه مذاکرات در حالی آغاز می‌شود که حدود ۴۰ روز تا پایان مهلت تمدیدشده برای رسیدن به یک توافق نهایی و بلندمدت میان دو طرف باقی مانده است. به گفته آقای ظریف آنچه در چند دور اخیر مذاکرات درباره آن بحث شده «در مورد جزئیات است، مواردی مانند حجم غنی‌سازی و نحوه و زمان‌بندی رفع تحریم‌ها». روز دوشنبه، ۱۳ اکتبر حسن روحانی رییس جمهور ایران در یک گفتگوی زنده تلویزیونی گفت: «در مساله هسته‌ای، دو طرف حتماً به تفاهم می‌رسند و این تفاهم بر مبنای قاعده برد-برد خواهد بود». آقای روحانی گفت که «هنوز به طور دقیق نمی‌توان گفت چه زمانی توافق نهایی در بحث هسته‌ای حاصل خواهد شد» با این حال اضافه کرد که ایران «مایل است و فکر می‌کند که بتوان طرف ۴۰ روز آینده اختلافات را حل کرد».

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران که برای شرکت در دور تازه مذاکرات هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱ به وین سفر کرده، گفت که رسیدن به توافق در این دور از گفت‌وگوها «بسیار بعید» است. به گزارش رسانه‌های ایران آقای ظریف دلیل این امر را «موضوعات باقی مانده بسیار زیادی» در این مذاکرات خوانده که هنوز حل و فصل نشده است. وزیر امور خارجه ایران به همراه هیئت مذاکره‌کننده هسته‌ای روز سه‌شنبه ۲۲ میزان (۱۴ اکتبر) وارد وین

www.mandegardaily.com



MandegarDailyNews



روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

- سه ماهه - ۱۰۰ دالر
- شش ماهه - ۲۰۰ دالر
- نه ماهه - ۳۰۰ دالر
- یک ساله - ۴۰۰ دالر



- نارسیده به منزل یا دفاتر
- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



- سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
- یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰